

## طبرزدي ؛ خاتمي دوم يا جريان سوم ؟

kianooshs@hotmail.com

کیانوش سنجری



شکي باقي نمي ماند که در بحبوحه بايکوت خبري ساخته دست حاکميت ( هر دو جناح درون بازي قدرت ) نسبت به نيروهاي فعال جنبش هاي مستقل و سکولار اعتراضی ، خصوصا طلايه داران جنبش نوين و آوانگارد جوانان و دانشجويان ايران و تزريق شايعات بي اساس و جهت دار ، دنبال کنندگان تحولات سياسي و اجتماعي جامعه سياسي ايران تا حدود زيادي از واقعيات موجود اين جنبش و طرز تفکر ، شعار ها و مطالبات و مبارزات فعالين اين جنبش بي اطلاع و حتي در صورت اطلاع ، نامطمئن باشند . يکي از همين موارد بي اطلاعي و يا نامطمئني بخشي از ايرانيان ( عموما هموطنان ساکن برون مرز ) حشمت الله طبرزدي و جريانات همسو با ايشان مي باشد .

بنده خود شخصا شاهد گفتگوهاي انتقادي اين بخش از هموطنان در اطاقهاي مجازي و الکترونيک " پالتاک " و حتي در بين قليلي از هموطنان ناآگاه در داخل کشور نسبت به حشمت طبرزدي و جريانات همسو با ايشان بوده ام . گفتگوهايي که حاکی از پنداشت اين بخش از هموطنانمان از طبرزدي همچنان به عنوان عنصری از سپاه و بسیج و يا حامی شخص منفوري همچون هاشمي رفسنجاني و مهمتر از همه تلقي خاتمي دوم از ايشان مي باشد .

با گذر از کساني که حشمت طبرزدي را با وجود تمامي مبارزات آزاديخواهانه و پرداخت هزينه هاي سنگيني در اين راه همچون ماه هاي متمادي حبس در سلول انفرادي بازداشتگاههاي سپاه و اطلاعات و ضرب و شتم علني در خيابان و دفتر کار و بي حرمتي به خانواده اش همچون هجوم مغول وارانۀ اخير نيروهاي داگاہ انقلاب به همراه استفاده از اسبپره گاز اشک آور به محل زندگي اش و ... همچنان عنصری از سپاه و بسیج و حامی هاشمي رفسنجاني تلقي کرده و اين تلقي شان حاکی از بي خبري و يا شايد بتوان گفت بد مستني است که نمي توانند ببينند و يا به واقع ندیدند که مثلا در اوایل فروردین ماه سال 1380 غريب به 20 نفر از صابئين قوه قضائيه به همراه نيروهاي لباس شخصي انصار حزب الله مغول وار با پرتاب گاز اشک آور دفتر 60 متری جبهه دمکراتیک در خيابان کارگر شمالي را به تسخير خود درآورده و در همان ماجرا طبرزدي ، اعضا و فعالين جبهه دمکراتیک ايران و جبهه متحد دانشجويي و بسياري از دانشجويان و هواداران مورد ضرب و شتم و بي حرمتي قرار گرفته و حشمت طبرزدي " دبیر موسس جبهه دمکراتیک ايران " در جريان آن ماجرا بازداشت و غريب به 7 ماه را مظلومانه در سلول انفرادي بازداشتگاه غير قانوني و نظامي 59 سپاه در منطقه عشرت آباد تهران گذراند و اين داستان در زمستان سال گذشته تکرار شد و ايشان بار ديگر در پي ادامه فعاليت هاي شفاف و بي پرده و خارج از چارچوب قانون و انتقادات صريح به قدرتمداران جمهوري اسلامي و نگارش نامه شديد الحني به علي خامنه اي به زندان 59 سپاه افتاد و امسال نیز براي چندمين بار پياپي طبرزدي در 18 تير ماه در راه پيوستن به صفوف اعتراضی مردم به مناسبت سومين سالگرد فاجعه کوي دانشگاه تهران به همراه جمعي از فعالين جبهه دمکراتیک از جمله دکتر سيد جواد امامي ، محمد مسعود سلامتي ، پرويز سفري و اميد عباسقلي نژاد ، در خيابان 16 آذر بازداشت و

پس از ضرب و شتم روانه بازداشتگاه 325 در زندان اوين شد و پس از گذشت 6 ماه نیز همچنان در سلول انفرادي در بازداشت بسر مي برد روي کلام اين نوشتار به آندسته از کساني است که حشمت طبردي را خاتمي دومي ناميده و دلواپسانه نگران فريب ديگري از جانب حاکميت براي بقاي خود هستند .

بنده به عنوان جوان 20 ساله اي که هم پای با ايشان در سلولهاي انفرادي بازداشتگاه 59 سپاه پاسداران مقاومت و شجاعت ايشان را عينا لمس کرده ( قابل توجه آندسته از کساني که بي شرمانه مدعي هستند که بازداشت و حبس طبرزدي دروغی بیش نیست و ايشان بجاي زندان و سلول انفرادي در سواحل دريائي خزر مشغول خوشگذراني هستند ) و چندین سال است که بدليل ارتباط با ايشان و مبارزات آزاديخواهانه در کنارشان با روحيات و تفکرات و نظراتشان به خوبی آشنا هستم وظيفه خود دانستم در شرايطي که طبرزدي خود در اين روزها پس از گذشت 6 ماه از 18 تير ماه ( روز بازداشت ) همچنان در سلول انفرادي بازداشتگاه 325 زندان اوين بسر مي برد مطلبي را در اين خصوص براي آگاهي آندسته از کساني که تلقي شان از طبرزدي " خاتمي دوم " است به نگارش در آورم .

هرچند حشمت الله طبرزدي مکرراً از طريق رسانه هاي برون مرزي نظرات و دیدگاههاي خود را راجع به مسائل مختلف به طور شفاف و بي پرده و بايد گفت شجاعانه بيان کرده است اما با اين حال در نقد طرز

تلقي آن گروه از کسانی که طبرزدي را خاتمي دوم قلمداد کرده و جریان طبرزدي را دسيسه اي از جانب حکومت براي ادامه بقاي خود مي دانند بايد گفت ؛

طبرزدي در سال 76 با فرمايشي و غير دمکراتیک دانستن انتخابات رياست جمهوري به تحریم آن انتخابات پرداخت و پس از آن نیز ایشان و جريانات همسو با ایشان تمامی انتخابات (انتصابات) برگزار شده از آن مقطع زمانی تا کنون را نیز به دليل رعایت نکردن قواعد دمکراتیک و حذف کاندیداهای تفکرات مختلف و مخالف و منتقد و خارج از حاکمیت از سوي وزارت کشور و شوراي نگهبان تحریم و از طريق بيانيه ها و مصاحبه هاي مختلف با راديوها و تلوزيون هاي فارسي زبان برون مرز از مردم دعوت کرده است که در آن انتخابات شرکت نکنند.

انتخاباتي که حتي بخشي از نيروهاي اپوزيسيون خارج از کشور به استقبالش رفته و به تاييدش پرداخته و ميبردارند .

انتخاباتي که منجر به ورود بخشي از نيروهاي انقلابي تلطيف شده به عرصه ساختار قدرت غير دمکراتیک و محفلي ايران و آغاز دور تازه اي از بازي سراسر درون حکومتي قدرت و به طبع آن محار بخش عمده اي از خروش فریادهای معترض ایرانیان آزادیخواه و خسته از تباہي سالهاي عمر خود و جوانانشان شد و ...

طبرزدي و جريانات همسو با ایشان با غير دمکراتیک دانستن ساختار قدرت جمهوري اسلامي و تحریم انتخابات در چنین سيستمی به طبع آن ، با گذر از جريانات چپ و راست درون حاکمیت که جدا از اختلافات عمیق در شیوه اداره امور ، وجوه مشترک و انقلابي و بنيادين بي شماری با یکدیگر دارند ، شعار "فراندوم ساختار شکن" را مطرح نموده است.

فراندومي که نه همچون فراندوم سطحي ، حداقلی و غير ساختاري پيشنهادي از سوي اصلاحطلباني که پس از فهم از اصلاح ناپذیر بودن ساختار قدرت و به بن بست رسیدن کارکرد اصلاحطلبانه شان این روزها به سر زبانها آورده اند بلکه فراندومي با تمام وجوه ساختاري اش يعني "فراندوم نوع نظام" با شرکت نمایندگان تمامی طیف ها و تفکرات دمکراتیک با نظارت سازمان ملل.

" چرا که به راستي پس از گذشت بیش از 5 سال از به روي کار آمدن مدعیان اصلاحات و توسعه سياسي به رهبري سيد محمد خاتمي و عدم موفقیت این جریان نسبت به دستیابی به اهداف دمکراتیک این جنبش و عینیت بخشیدن به مطالبات و خواست های مردم ، بر همگان ثابت شد که مشکل ؛ ساختار قدرت غير دمکراتیک جمهوري اسلامي و عدم پتانسیل لازم در اصلاحطلبان درون حکومتي براي شکستن موانع پيش روي این جریان است که ما را بر آن مي دارد قبل از ورود به مباحث ديگري به این نکته باندیشیم که آیا این نظام با چنین ساختار قدرتي که در آن نهادهای انتصابي و غير دمکراتیک قدرتمندتر از بخش انتخابي ( شبهه دمکراتیک ) آن هستند ، اصلاح پذیر است یا نه .

و در چنین شرایطی که کثیری از اصلاحطلبان با عدم استفاده از پتانسیل عظیم مردمی برای شکستن موانع پيش روي حرکت جنبش اصلاحطلبی به انسداد سياسي معترف و گروهی حتي ندای خروج از حاکمیت را بسر داده اند ، نیروی سوم جامعه سياسي ايران يعني همان پتانسیل عظیم مردمی که از سوي اصلاحطلبان به بازي گرفته نشدند به رهبري خود به صحنه آمده اند و فریاد آزادیخواهانه و عدالتجویانه طلبانه شان را در موارد مختلفی همچون مراسم اعتراضی 18 تیر ماه ، 1 آذر ماه ، 16 آذر ماه سال جاری و ... مکرراً سر دادند.

حشمت الله طبرزدي و جريانات مستقل ، دمکراتیک و سکولار همسو با ایشان با فهم از چنین شرایطی همپای با تمامی طبقات معترض و مخالف جامعه با گذر از جریان اصلاح طلبی درون حکومتي شیوه نوینی از مبارزات آزادیخواهانه و دمکراسي طلبانه اي را مبتنی بر روشهای دمکراتیک و مسالمت آمیزی همچون ؛ نافرمانی مدني ، مقاومت فعال ، اعتراضات و اعتصابات دانشجویان و کارگران و فرهنگیان و تظاهرات عمومی تمامی طبقات مختلف و معترض جامعه را که حق شهروندی و دمکراتیک سلب شده خود مي دانند را در پيش گرفته و در این راه متحمل هزینه های گزافی همچون شکنجه و سلول انفرادي و بي حرمتي به خانواده شان و مهمتر از همه بایکوت خبري از سوي رسانه های مدعی اصلاحطلبی و انتشار و انتشار اخبار کذبی همچون خبر کذب منتشر شده اخیر تارنماهاي به ظاهر مدعی اصلاح طلبی راجع به آزادي حشمت الله طبرزدي 3 روز قبل از 16 آذر ! که به منظور تخریب چهره ایشان و القا سوئ ظن به مخاطبان صورت گرفته شده اند ولي هرگز با وجود این مشقت ها و ناجوانمردي ها قدمي به عقب برداشته و استوار و راسخ همچنان پایبند به اصول آزادیخواهانه شان به مبارزه براي دستیابی به حقوق شهروندی خود و هموطنانشان ادامه داده اند.

و حال با چنین شرایطی حشمت الله طبرزدي و جريانات مستقل و همسو با ایشان با اعتقاد به جدایی دین و دولت و همسویی و با همسویی با اعتراضات مردمی براي رسیدن به مرحله فراندوم ساختاري ، خاتمي دوم است یا جریان سوم !؟

چه نیکوست اگر آندسته از کسانی که با طرح مسائلي همچون طبرزدي ؛ خاتمي دوم و ... همپای با اغلب به ظاهر اصلاحطلبان دانسته یا ندانسته در جهت تخریب چهره طبرزدي و مخدوش کردن حرکت رو به جلو و آزادیخواهانه تشکل های مستقل دانشجویی گام برداشته اند با درک صحیح از مسائل به جاي تخطئه به حمایت از این جریان پیشرو بپردازند. .... به امید مهر